سایت ریانوواستی (7/8/2020)

**عربستان بسوی بمب اتم گام بر می دارد و برای انتخابات آمریکا آماده می شود**

با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، حقایق مشخصی روشن می شوند که نشان می دهند برخی از کشورها که احتمال می دهند "جو بایدن" رئیس جمهور آمریكا شود و شروع به اصلاح سیاستهای خارجی واشنگتن و در پیش گرفتن خط مشی جدیدی که به زعم او عالی است نماید برای خود "فرودگاههای ذخیره" می سازند. صرف نظر از این که نتیجه انتخاباتی آمریکا چه باشد (یا اگر پیشگویی ترامپ در مورد جنگ داخلی تحقق یابد، آن هم درست در خیابان های واشنگتن خونین) عواقب این اقدامات تدارکاتی تا مدتها بر توزیع نیروهای ژئوپلیتیکی، بلوک ها و جبهه بندیها تأثیر خواهد گذاشت و شرکای ما را در آنسوی اقیانوس به شدت نگران خواهد کرد. و وقتی صحبت از خطرات هسته ای و نفوذ چینی ها در انفجاری ترین و استراتژیک ترین منطقه کره زمین باشد احساسات و ترس ها به نهایت می رسند.

دقیقا از همین منظر است که در فضای رسانه ای غرب، عملا بطور همزمان دو سوژه درباره عربستان سعودی مطرح شده است. از یک سو، آژانس خبری تجاری بلومبرگ تجزیه و تحلیلی گذشته نگر انجام می دهد و نشان می دهد که انتخاب بایدن چقدر برای عربستان بد است و چگونه رئیس جمهور دموکرات رهبران سعودی را مجازات می کند و آنها را به منفورهای سیاسی تبدیل می کند.

از سوی دیگر، وال استریت ژورنال اطلاعاتی را از منابع عالی رتبه آمریکایی خود منتشر می کند که براساس آن عربستان سعودی ظاهرا اکنون در همکاری نزدیک هسته ای با چین است و حتی گفته می شود ساخت تأسیسات غنی سازی اورانیوم مخفی خود را نیز به پایان رسانده است.

می توان مدتها بحث کرد که آیا همکاری هسته ای ادعا شده بین ریاض و پکن (اگر واقعاً وجود داشته باشد) یک نوع پاسخ به خطرات اقتصادی، تحریمی و دیپلماتیکی است که از جو بایدن نشات می گیرند یا اینکه، بر عکس، تهدیدات بایدن و لفاظی آشکار ضد سعودی وی در واقع تلاشی برای ارعاب ریاض است که روابط نزدیکی را با جدی ترین رقیب ایالات متحده در عرصه ژئوپلیتیک آغاز کرده است. اما صرف نظر از تفسیر دقیق، به احتمال زیاد ارتباطی بین رویداد فوق وجود دارد، و واضح است که این داستان با دو مقاله در رسانه های معتبر خاتمه نخواهد یافت، یعنی ژستها و حرکات سیاسی و اقتصادی (تا حدودی پنهان) و اقدامات اعمال نفوذ قطعاً بدنبال خواهد داشت.

بلومبرگ عنوان این خبر را اینگونه نوشته است: "انتقاد تحقیرآمیز بایدن از سعودی ها اخطاری است پس از آغوش ترامپ". آنگونه که از خود مقاله بر آمده است: "معاون رئیس جمهور پیشین (بایدن) پادشاهی عربستان را منفور نامیده است و تهدید کرده است که فروش اسلحه های آمریکایی را که بزرگترین خریدار آن عربستان سعودی است متوقف می کند"، و علاوه بر این "سیگنالهایی مبنی بر تمایل بیشتر برای همکاری با ایران رقیب اصلی عربستان داده است".

شایان ذکر است که روزنامه نگاران آمریکایی نیز نظرات کارشناسان را درج می کنند که برخی از آنها اصرار دارند که هرگونه اقدامی در خاورمیانه از جمله تغییر "مسئله ایران"، تغییر روابط با ریاض یا تجدید نظر اساسی در استراتژی آمریکا در چارچوب مناقشه اسرائیل و فلسطین، برای واشنگتن به منزله نوعی عملیات در تئاتر ثانویه مبارزات ژئوپلیتیکی خواهد بود که مرکز آن به ناچار نه در خاورمیانه یا حتی در اروپای شرقی بلکه در آسیا واقع خواهد شد. یک نمونه بارز از اینگونه نظرات کارشناسان، متعلق به جک دورسی محقق ارشد دانشکده مطالعات بین المللی Rajaratnam در سنگاپور است که معتقد است: "بعید است که خاورمیانه اولویت بایدن باشد و مانند ترامپ، احتمالاً بایدن هم می خواهد تعهدات آمریکا در مقابل این منطقه کم شود اما نمی خواهد کلا به این منطقه پشت پا بزند. چین و روسیه از اهمیت بیشتری برخوردار هستند".

در واقع دشوار است که با این نظریه مخالفت کرد که برای دولت بایدن (اگر وی در انتخابات پیروز شود یا در یک جنگ داخلی آینده برنده شود) جنگ علیه چین و روسیه بسیار مهم خواهد بود، اما دقیقاً به همین دلیل، حداقل "مسئله سعودی" می تواند برای واشنگتن بسیار مهم باشد. ... خریدار اصلی نفت سعودی چین است و به طور کلی نیاز به واردات منابع انرژی یکی از معدود نقاط ضعف اقتصاد چین است که واشنگتن می تواند در آینده از آنجا فشار آورد. عربستان سعودی و روسیه دو رکن اتحادیه بزرگ نفتی اوپک + هستند که از یک سو تولیدکنندگان شیل آمریکایی را ورشکست کرده و از طرف دیگر قیمت نفت را در سطح نسبتاً مناسبی برای بودجه روسیه حفظ می کند. و اگر گزارش هایی را در نظر بگیریم (که به طور رسمی تأیید نشده است) که عربستان سعودی مشغول همکاری پنهانی هسته ای با چین است در آنصورت وضعیت کاملاً جالب می شود.

شما می توانید یک آزمایش فکری را انجام دهید و سعی کنید به "خبر ناگهانی" وال استریت ژورنال از نگاه یک مقام آمریکایی، دیپلمات یا نظامی بپردازید. نشریه ای گزارش می دهد: "عربستان سعودی با کمک چین کارخانه ای را برای تولید کیک زرد اورانیوم از سنگ معدن اورانیوم ساخته است که گامی از سوی این پادشاهی ثروتمند نفتی بسوی تکنولوژی هسته ایست، این مطلب را مقامات آگاه غربی گفته اند. این تأسیسات در یک منطقه کم جمعیت در شمال غربی عربستان سعودی واقع شده است و نگرانی های مقامات ایالات متحده (و مقامات متحدین ایالات متحده) را برانگیخته است که برنامه هسته ای نوپای پادشاهی در حال پیشروی است و ریاض قادر به تولید سلاح های هسته ای است". نکته عجیب این موضوع این است که به گفته منابع رسانه ای آمریکایی، نهادهای رسمی غرب واقعیت وجود این تاسیسات را بعنوان یک راز مخفی کرده بودند، و بنابراین درز کردن این خبر را می توان به عنوان سیگنالی آگاهانه به ریاض تلقی کرد.

در حرف به راحتی می توان سخنان روزنامه نگاران آمریکایی را باور کرد که می گویند این اطلاعات باعث نگرانی شدید نمایندگان هر دو حزب آمریکا شده است. عربستان سعودی در سطح رسمی، طبق گفته وال استریت ژورنال، وجود این تاسیسات را انکار می کند و بر ماهیت صلح آمیز برنامه هسته ای خود تأکید می کند. وزارت امور خارجه آمریكا از اظهارنظر درباره این موضوع خودداری كرد اما به دلایلی تصمیم گرفت تاكید كند كه واشنگتن بارها به همكاران خود در مورد "خطر همکاری" با چین، حتی در زمینه فناوریهای هسته ای غیرنظامی هشدار داده است.

اگر ماجرا طبق همان سناریوی "ایرانی" پیش برود که ترامپ امتحان کرده است پس عواقب آن می تواند بسیار متفاوت باشد، اما همه این عواقب برای روابط آمریکا و عربستان سعودی منفی خواهند بود: از سرد شدن وابط دیپلماتیک گرفته تا (اگر ماجرا خیلی بیخ پیدا کند) تحریم ها. اما حتی اگر بایدن برنده نشود، باز هم این سؤال پیش خواهد آمد: آیا عربستان سعودی هنوز هم می خواهد شریک قابل پیش بینی تری نسبت به حاکمان دمدمی مزاج واشنگتن پیدا کند.

<https://ria.ru/20200807/1575459645.html>

مترجم: محمد سیفی، تاریخ ترجمه: 17/5/99